

ارسال: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

10.22034/nf.2024.196539

دستوری شدگی ساخت آینده در برخی زبان های ایرانی

محمد مهدی اسماعیلی* (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

چکیده: یکی از عوامل درونی دگرگونی های زبانی فرایند دستوری شدگی است و منظور از آن اعطای ماهیت یا نقشی دستوری به واژه ای است که پیش تر آزاد و مستقل بوده است. بررسی های تاریخی بیانگر آن است که اکثر فعل های کمکی در بسیاری از زبان های دنیا قبلاً فعل واژگانی بوده اند و کاربرد ثانوی آنها در نقش فعل کمکی نتیجه موردی از دستوری شدگی با عنوان معین شدگی است. این مقاله با بررسی شواهد و نمونه هایی از برخی از زبان های ایرانی میانه و نو، به ویژه زبان ها و گویش های مرکزی ایران، مشخص می سازد که به موازات و مشابه با آنچه در تحول زبان فارسی میانه به نورخ داد و فعل واژگانی «خواستن» با تبدیل شدن به فعل کمکی برای بازنمایی مفهوم آینده مورد استفاده قرار گرفت، در این زبان ها نیز فعل جعلی «کامیدن» دستخوش تغییر شده و به فعل کمکی آینده ساز تغییر یافته است. ولی با این تفاوت اساسی که در این زبان ها فعل مذکور با از دست دادن کاربرد واژگانی خود به عنوان یک واژه مستقل، به طور کامل به فعلی کمکی یا در مواردی حتی به ادات کمکی تبدیل شده است.

کلیدواژه ها: دستوری شدگی، فعل کمکی، ساخت آینده، تکواژ «کام»، زبان های ایرانی میانه و نو، گویش های مرکزی ایران.

۱. مقدمه

علاوه بر دگرگونی‌های صوتی و معنایی و واژگانی که معمولاً جلوه و نمود بیشتری دارند و تغییر و تحوّل در آنها بیشتر محسوس است، دگرگونی‌های دستوری (صرفی - نحوی) تقریباً فراوانی نیز در زبان‌های دنیا دیده می‌شود. آراتو (ص ۱۷۱-۱۸۱) براساس نظر بنونیست (Benveniste, p. 83-94) همه دگرگونی‌های دستوری را به دو دسته کلی محافظه‌کارانه و نوآورانه تقسیم کرده و دستوری‌شدگی را به‌عنوان فرایندی در زمانی، قابل توجه‌ترین شیوه ورود عناصر و مقولات جدید در نظام صرفی یک زبان معرفی کرده است. این اصطلاح را که اولین بار زبان‌شناس فرانسوی میه^۱ همراه با قیاس به‌عنوان دو فرایند تشکیل‌دهنده صورت‌های دستوری جدید مطرح کرد، عبارت است از تغییر یک واژه مستقل و آزاد به یک عنصر یا نشانه دستوری (آراتو، ص ۱۸۱). با اینکه اشارات اولیه درباره مفهوم دستوری‌شدگی عمدتاً مبتنی بر زبان‌های خانواده هندواروپایی بود، ولی بررسی و مطالعات بعدی مشخص نمود که این فرایند در دیگر زبان‌های دنیا نیز شواهد و نمونه‌های زیادی دارد و در واقع در بسیاری از موارد عناصر تصریفی زبان‌ها نتیجه دستوری‌شدگی یک ترکیب نحوی پیشین و اولیه‌اند و صورت‌های متشکل از ستاک و وند دراصل به مجموعه‌ای از اسامی و افعال مستقل بازمی‌گردند. همچنین بررسی‌های صورت‌گرفته بیانگر آن بود که در طی مسیر دستوری‌شدگی، مراحل مشخصی با ترتیبی به شرح پیوستار زیر طی می‌شود:

واحد واژگانی < واحد دستوری (نقشی)^۲ < واژه‌بست < وند تصریفی

طبق این پیوستار با گذر از هر مرحله به مرحله بعدی عناصر زبانی دستوری (شده) تر می‌شوند و به‌عبارت دیگر هر یک از عناصر زبانی نسبت به عنصر سمت راست خود دستوری‌تر است. همچنین این نمودار گذر از صورت‌های زبانی تحلیلی‌تر به صورت‌های زبانی ترکیبی‌تر را نشان می‌دهد (Velupillai, p. 387).

از رایج‌ترین موارد دستوری‌شدگی در زبان‌ها استفاده از افعال واژگانی در نقش فعل کمکی برای بیان مفاهیم زمان، وجه و نمود در برخی ساخت‌های دستوری است که بنونیست (Benveniste, p. 83-94) آن

1. Meillet

۲. در منابع مختلف از اصطلاحات متنوع و مختلفی برای نامیدن دو مرحله اول استفاده شده است از جمله «کلمه واژگانی» lexical word، «واحد واژگانی» lexical item، «کلمه محتوایی» content word، «واحد محتوایی» content item، (برای اشاره به مرحله اول)؛ و «کلمه نقشی» function(al) word، «واحد نقشی» function(al) item، «کلمه دستوری» grammatical word، «واحد دستوری» grammatical item (برای اشاره به مرحله دوم).

را معین‌شدگی^۱ نامید. از میان نمونه‌های فراوان معین‌شدگی شاید مهم‌ترین و قابل‌توجه‌ترین مورد، مانند آنچه در فارسی و برخی دیگر از زبان‌ها رخ داده‌است، ظهور فعل‌های کمکی، نشانگر زمان آینده باشد. با آنکه مفهوم زمان آینده مفهومی جدید در حوزه شناخت بشر نیست، اما رمزگذاری مستقل آن در بسیاری از زبان‌های دنیا پدیده‌ای متأخر است (داوری و نغزگوی کهن، ص ۶۲). به تصریح دال و ولوپیلایی (Dahl and Velupillai, p. 270) از مجموع ۲۲۲ زبان بررسی شده، ۱۱۰ مورد یعنی نصف زبان‌های شمارش‌شده دارای ساختی تصریفی بوده‌اند و ۱۱۲ زبان دیگر هیچ‌گونه ابزار تصریفی برای بیان آینده نداشته‌اند.^۲ در اغلب موارد ساخت‌های آینده تصریفی مشتق از ساخت‌های ترکیبی (با استفاده از افعال کمکی یا ادات) هستند که آنها نیز در اصل منشعب و نشئت‌گرفته از ساخت‌هایی هستند که به مفاهیمی چون الزام، خواست یا قصد^۳ و حرکت اشاره دارند و البته در این میان، ابزارهای بیان خواست به‌صورت بالقوه بیش از دیگر ابزارها توانایی رمزگذاری رویدادهای زمان آینده را دارند (ibidem: داوری و نغزگوی کهن، ص ۶۳).

هدف مقاله حاضر توصیف و بررسی روند دستوری‌شدگی فعل جعلی «کامیدن» (محصول فرایند تبدیل اسم «کام» به فعل، متناظر با افعال «کامستن» در فارسی میانه و «کامادن» در پهلوی اشکانی) از یک فعل واژگانی مستقل و آزاد به فعلی کمکی و نهایتاً یک ادات یا عنصر نقشی نشانگر زمان آینده در برخی از زبان‌های ایرانی میانه و نو، و به‌طور اخص برخی زبان‌ها و گویش‌های مرکزی ایران است که به‌جز چند اشاره کوتاه در برخی منابع، تا به حال مغفول مانده و کمتر توصیف دقیقی از وضعیت آنها ارائه شده‌است. در مقاله پیش‌رو که برخی داده‌های گویشی آن نتیجه تحقیق میدانی نگارنده و مابقی برگرفته از آثار و پژوهش‌های زبان‌شناختی و گویشی است، ضمن توصیف تغییر و تحول صورت‌گرفته بر روی این فعل جعلی، روند دستوری‌شدگی آن در هر یک از زبان‌های مطرح‌شده مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

1. auxiliation

۲. در نقشه ارائه‌شده (ibid, p. 278) زبان بلوچی جزو زبان‌های دارای ساخت آینده تصریفی معرفی شده‌است که ظاهراً اشتباه است، چون در هیچ‌یک از آثار و منابع دستور زبان بلوچی به چنین مطلبی اشاره نشده‌است.

3. volition/intention

۲. پیشینه تحقیق

از آنجایی که صورت‌های آینده، که در هر یک از زبان‌های هندواروپایی نو به کار می‌رود، با بقیه تفاوت زیادی دارد، بازسازی ساخت آینده در زبان هندواروپایی آغازین به‌عنوان یکی از مقولات تصریفی فعل که از نظر ساخت‌واژی جدا از بقیه زمان‌های فعلی باشد، همواره مورد بحث زبان‌شناسان بوده است. تنها شواهد پراکنده‌ای از ساخت آینده وجود دارد که آنها هم مربوط به گروه‌های زبانی دو حد شرقی (گروه بالتی - اسلاوی و هندوایرانی) و غربی (گروه سلتی) محدوده جغرافیایی خانواده هندواروپایی است و بنابراین باید نتیجه نوآوری‌های بعدی در این زبان‌ها بوده باشد (Mallory and Adams, p. 63). به همین دلیل به باور بسیاری، زبان هندواروپایی آغازین ساخت ویژه‌ای برای بیان مفهوم آینده نداشته و مفهوم آیندگی مانند آنچه در بسیاری از زبان‌های رایج امروزی دنیا دیده می‌شود، به‌وسیله مضارع اخباری به‌همراه قیده‌های نشانگر آینده یا وجه التزامی یا حتی صورت‌هایی از ستاک آرزویی بیان می‌شده است (Harðarson, vol 4102 p. 930; Lundquist and Yates, p. 2141; Szemerényi, p. 285; Beekes, p. 252). ولی تغییر و تحولات تاریخی صورت‌گرفته در این خانواده زبانی، به‌خصوص دستوری‌شدگی فعل‌های اصلی به کمکی، باعث پیدایش ساخت‌های آینده غیرتصریفی در هر یک از زبان‌های هندواروپایی نو شده است که با یکدیگر تفاوت زیادی دارند.

برخی از محققین مانند هاک (Hock, p. 496) و فریدمن (Friedman, vol. 1, p. 666) معتقدند که شواهدی وجود دارد که از بین افعال واژگانی دو فعل «خواستن» و «داشتن»^۱ برای تبدیل شدن به نشانه آینده‌ساز با هم رقابت داشته‌اند و در هر یک از زبان‌های موجود، یکی از این دو فعل دستوری شده است. ظاهراً قدیمی‌ترین مورد دستوری‌شدگی دو فعل مذکور مربوط به دو زبان لاتین و یونانی است که در اولی فعل «داشتن» و در دومی فعل «خواستن» به فعل کمکی آینده‌ساز تبدیل شده است.^۲ مثال دستوری‌شدگی فعل «خواستن» به‌عنوان نشانه آینده‌ساز در زبان یونانی به موضوع حذف مصدر در این زبان مربوط است. نشانه آینده‌ساز /θa/ در یونانی نو از مصدر thēlei «خواستن» در یونانی باستان مشتق شده است. در تحول زبان یونانی با از بین رفتن ساخت‌های مصدری، ساخت بند وابسته، جانشین آنها شد، به‌عنوان مثال عبارت thēlō hina grāphō می‌توانست هم به معنی «می‌خواهم که

۱. فعل «داشتن» در زبان‌های رومیایی برای بازنمایی نمود کامل هم دستوری شده است (Heine and Kuteva, p. 7).

۲. با این که زبان لاتین در ابتدا ساخت آینده تصریفی خاصی داشته است ولی با مهجور شدن و نابودی تدریجی این ساخت، ساخت آینده جدیدی متشکل از مصدر فعل اصلی و فعل habēre «داشتن» شکل می‌گیرد. در واقع ترکیب نحوی مصدر فعل اصلی و فعل کمکی «داشتن» که در ابتدا برای رساندن مفهوم اجبار و الزام به کار می‌رفته کم کم به معنی آینده تغییر یافته است (Malmkjær, p. 234).

بنویسم» و هم به معنی «خواهم نوشت» باشد؛ و به همین ترتیب عبارت *thélei hina grápheí* می‌توانست هم به معنی «می‌خواهد که بنویسد» و هم به معنی «خواهد نوشت» باشد. کم‌کم با منحصر شدن ساخت آینده به صورت سوم شخص مفرد */θeli/* (از *thélei* باستان) و سپس تغییر یافتن ترکیب */θeli/ hina/* (یعنی توالی فعل واژگانی «خواستن» و متمم‌نمای بند پیرو) به ادات */θa/*^۱ سرانجام صورت آینده */θa yráfō/* «خواهم نوشت» به دست آمد و صورت */θélo na yráfō/* در معنی «می‌خواهم که بنویسم» باقی ماند (Campbell, p. 238-239; Hock, p. 496).

به جز یونانی (از شاخه هلنی) بیشتر زبان‌های منطقه همگرایی زبانی بالکان^۲ (که متعلق به چهار شاخه اسلاوی، ایتالی، آلبانیایی و هندوآریایی خانواده هندواروپایی هستند) نیز ساخت آینده‌ای دارند که محصول دستوری‌شدگی فعلی با معنای «خواستن/آرزو کردن» است.^۳ این ساخت‌ها البته به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول زبان‌هایی که نشانه آینده در آنها تبدیل به اداتی غیرتصرفی شده است و دسته دوم زبان‌هایی که نشانه آینده فعل کمکی تصریف‌پذیر است. گونه اول یعنی استفاده از ادات، غیراز یونانی نو که پیش‌تر گفته شد، در زبان‌های بلغاری (ادات *šte*)، مقدونیه‌ای (ادات *ke*)، آلبانیایی (ادات *do* + ساخت التزامی) و ژرمانی بلغاری (ادات *kam*)؛ و در گونه دوم استفاده از فعل کمکی در زبان‌های رومانیایی (*voi*) و صربی-کرواتی (*ću, ćeš, će*) دیده می‌شود (Dahl, p. 323; Hock, p. 496; Trask, p. 315-316; Campbell, p. 301; Boretzky and Iglá, p. 719, cited in Heine and Kuteva, p. 26-27). همان‌گونه که در جدول ۱ نیز مشخص است در بیشتر این زبان‌ها نشانه آینده‌ساز (ادات یا فعل کمکی) پیش از فعل اصلی می‌آید.

جدول ۱ اول شخص مفرد آینده «نوشتن» در برخی زبان‌های بالکان (Hock, p. 496)

| کاربرد فعل کمکی آینده‌ساز | کاربرد ادات آینده‌ساز |
|-------------------------------|--|
| رومانیایی <i>voi scrie</i> | آلبانیایی <i>do të shkruaj</i> |
| صربی-کرواتی <i>pisa-ću</i> | بلغاری <i>šte piša</i> |
| | ژرمانی بلغاری <i>ka(m) hramosarav</i> |

1. */θeli hina/ > /θeli na/ > /θe na/ > /θa na/ > /θa/* (Campbell, p. 239)
 2. Balkan Sprachbund

۳. استثنائاً در برخی گویش‌های آلبانیایی فعل «داشتن» دستوری شده است.

زمان آینده در ارمنی کلاسیک متأخر، با التزامی آنوریست اصلی^۱ بیان می‌شده که در تحول به ارمنی میانه (ارمنی کیلیکیایی) و گویش‌های نوی ارمنی از بین رفته و صورت‌های ترکیبی گوناگونی جایگزین آن شده‌است. مثلاً در ارمنی میانه صورت‌های صرف‌شده فعل gamim «خواستن» با قرارگرفتن پیش از مصدر فعل اصلی، مفهوم آینده را نشان می‌داد که در هیچ‌یک از گویش‌های نوی ارمنی این ساخت باقی نمانده‌است (Sayeed and Vaux, p. 1156). سعید و وُکس (ibidem) معتقدند کاربرد «خواستن» به‌عنوان فعل کمکی در زبان ارمنی میانه نتیجه تأثیر منطقه همگرایی زبانی بالکان است که از نظر جغرافیایی به بیزانس و امپراتوری عثمانی و متعاقباً منطقه کیلیکیه یعنی خاستگاه زبان ارمنی میانه، نزدیک و مرتبط بوده‌است.

در شاخه ژرمنی نیز معین‌شدگی فعل خواستن در چندین زبان رخ داده‌است. مورد بسیار معروف آن ساخت آینده انگلیسی است که در آن دو فعل will و shall (انگلیسی باستان: willan و sculan) که در اصل به‌معنای «خواستن» بوده، از قرن دوازدهم میلادی با تغییر وضعیت و با تهی‌شدگی معنایی (از دست دادن معنای خواستن) تبدیل به نشانه آینده‌ساز شده‌اند. این صورت‌های دستوری‌شده معمولاً با کاهش یا سایش آوایی^۲ نیز همراه‌اند، که بر همین اساس در انگلیسی، صورت‌های مخفف I'll, she'll و my dog'll do it دیده می‌شود (آرلاتو، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ Campbell, p. 238).

۳. فرایند تبدیل^۳ تکواژ «کام» از مقوله اسم به ماده فعل

در این بخش پیش از پرداختن به فرایند دستوری‌شدگی تکواژ «کام» به نشانه آینده‌ساز در زبان‌های ایرانی میانه و نو، سیر و روند تحولات تکواژ «کام» از دوره باستان تا میانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلمه «کام» kāma به معنی «خواست» (مشتق از ریشه فعلی *kā- به معنی «خواستن، دوست داشتن» در ایرانی باستان) در دو زبان اوستایی و فارسی باستان صرفاً به‌صورت اسم به‌کار رفته و کاربرد فعلی نداشته‌است. البته وجود صورت فعلی kāmāyati «آرزو می‌کند، اشتیاق دارد؛ جماع می‌کند» در سنسکریت بیانگر آن است که در آن زبان ظاهراً فرایند تبدیل اسم به فعل خیلی

1. original aorist subjunctive
2. phonetic erosion
3. conversion

زودتر رخ داده‌است. جملات زیر نشان‌دهنده کاربرد این اسم در زبان اوستایی و فارسی باستان است:

1. auramazdām avaθā kāma^h āha^l.
اهورامزدا را این‌گونه کام بود (= اهورامزدا این‌گونه خواست) (کتیبه XPF، سطر ۲۱-۲۲).
2. kāməm āpanāiš pərənā aēibyō. (یسن ۲۸: ۱۰).
3. zaošāiča kāmāiča havāi hamərəθō amaēnijanō.
در تاخت‌وتاز اوژنده [اند] دشمنان را به کام و خواست خویش (یشت ۱۳: ۳۳).

در گذر از دوره ایرانی باستان به میانه، این کلمه ضمن حفظ کاربرد اسمی خود، در اثر فرایند تبدیل که فرایندی نسبتاً زیبا بوده، به ماده مضارع جعلی تبدیل شده و صورت‌های تصریفی آن به‌کار می‌رفته‌است، مانند جملات زیر:

4. ka drōn kāmēd yaštan. (شایست نشایست، فصل ۳، بند ۳۲).
5. a'ōn čē'ōn rāzmird kē kāmēd āywān kirdan.
همچون معماری که خانه می‌خواهد ساختن (متن y، بند ۵۴).
6. ka kadaq kāmēd kardan, nazdist uzēnag pad mayān kunēd.
هرگاه خانه می‌خواهید کردن، نخست هزینه فراهم کنید (متون پهلوی، صفحه ۶۱، بند ۴۱).
7. bē ka frāyihā guftan kāmēd. (دینکرد ۵، فصل ۲۴، بند ۵).
8. aqar tō kāmēh ēn dō čiš čārag dānēh.
اگر می‌خواهی چاره این دو چیز را بدانی.
9. bē ka-tān pūrsīd hē ēg-im nē kāmēm bē ka rāst gōwēm.
اما چون پرسیدید جز راست چیزی نمی‌خواهم بگویم (یادگار زیران، بند ۴۰).

ماده ماضی نیز با افزوده شدن پسوند‌های ماضی‌ساز جعلی [-ist] و [-ād] به ماده مضارع، در متون به‌شکل kāmīst- در فارسی میانه و kāmād- در پهلوی اشکانی مشاهده می‌شود. اگرچه ماده ماضی جعلی kāmīd- در متون گزارش نشده‌است ولی وجود صورت «کامید» در فارسی نو مشخص می‌کند که علاوه بر دو ماده ماضی جعلی گفته‌شده، این صورت هم احتمالاً وجود داشته‌است. مثال‌های زیر کاربرد ماده kāmīst- و kāmād- را در دو زبان فارسی میانه و پهلوی اشکانی نشان می‌دهد:

10. u-m kāmīst pad pēš-iš namāz burden.
و خواستم به پیشش نماز بردن (ببرم) (اردادیراف‌نامه، فصل ۱۱، بند ۴).
11. frēdōn azīdahāg ōzadan kāmīst.
فریدون اژی دهاک را خواست بکشد (شایست نشایست، فصل ۲۰، بند ۱۸).

12. artaxšēr ka stad, xwardan kāmist.
اردشیر چون ستاند، خواست بخورد (کارنامه اردشیر بابکان، فصل ۹، بند ۱۱).
13. ka-š be ōzadan kāmist, gāw mardōmsaxwanihā aw-iš pahikārd kū.
چون او را خواست کشتن، گاو به زبان آدمیان با او مجادله کرد (زادسپرم، فصل ۴، بند ۱۴).
14. warm ādurēn frasistan kāmād.
موج آتشین برآمدن کرد.
15. ud grift kāmād ō hō šahrān.
و خواست آن قلمروهای نور را بگیرد (متن ak، بند ۸).

همان‌گونه که از مثال‌ها مشخص است فعل «کامستن/کامادن» در این دوره فقط معنی «خواستن» داشته و ظاهراً در معنی و مفهوم فعل کمکی آینده‌ساز به‌کار نمی‌رفته‌است. درباره‌ی شکل و جایگاه فعل اصلی دو نکته گفتنی است: نکته اول آن که فعل اصلی به سه شکل ظاهر می‌شده است: معمولاً به شکل مصدر (جملات ۴-۷، ۱۰-۱۴)، گاه به شکل مصدر مرخم (جمله ۱۵) و در مواردی اصلاً صرف شده‌است (جملات ۸-۱۰). نکته دوم مربوط به جایگاه فعل اصلی در مقایسه با فعل کمکی «کامستن/کامادن» است که هم پس از فعل کمکی (مانند جملات ۴-۶ و ۸-۱۰) و هم قبل از آن قرار می‌گرفته‌است (مانند جملات ۷ و ۱۱-۱۵). در صرف زمان ماضی نیز به دلیل آن که «کامستن/کامادن» فعلی متعدی بوده، ساخت کنایی داشته و ضمایر پی‌بستی، فاعل دستوری آن را مشخص می‌کرده‌اند (جمله ۱۰).

۴. دستوری‌شدگی تکواژ «کام» در زبان‌های ایرانی میانه شرقی

تکواژ /kām/ «کام» در متون دو زبان میانه شرقی یعنی سغدی و خوارزمی نیز دیده می‌شود ولی با این تغییر و تحول که در این دو زبان، علاوه بر رساندن مفهوم فعل واژگانی «خواستن»، در اثر دستوری‌شدگی نقش تازه‌ای نیز به دست آورده‌است. این نقش و کاربرد جدید را که محققان (سیمزویلیامز، ص ۲۶۸؛ Korn, p. 617) از وجوه مشترک این دو زبان در بخش ساختمان فعل برشمرده‌اند عبارت است از تغییر یافتن /kām/ به نشانه زمان نمای آینده. نکته قابل توجه در این دگرگونی آن است که چون تکواژ /kām/ با قرارگرفتن پس از فعل اصلی، هیچگاه پذیرا و میزبان شناسه‌های فعلی نیست، بلکه تصریف بر روی فعل اصلی صورت می‌گیرد باید آن را ادات زمان نما محسوب کرد نه فعل کمکی.

در سغدی ادات kām- (با حرف نویسی <k'm- > و <q'm- >) که معمولاً پس از صورت‌های

صرفی فعل مضارع اخباری (در مواردی مضارع التزامی، تمنایی، انشایی و امری) قرار می‌گیرد، در برخی متون به صورت *kān*- و در متون مسیحی در اثر سایش آوایی به صورت *kā*- و *qā(n)*- (پس از همخوان‌های خیشومی) نیز آمده است. مثال‌ها و جملات زیر ساخت آینده در سغدی را نشان می‌دهد (see Yoshida, p. 300, 306; Skjærvo, p. 24, 31).

- | | | |
|-----|---|--|
| 16. | <i>βaxš-ām-kām.</i> | خواهم بخشید. |
| 17. | <i>βər-θa-kām.</i> | خواهید بُرد. |
| 18. | <i>šəw-ēm-kām.</i> | خواهیم رفت. |
| 19. | <i>δūr zāy šō-θa-kām.</i> | دور جای خواهید رفت. |
| 20. | <i>xā δēndārt kū uštēmāx šəw-and-kām.</i> | دینداران (= مانویان) خوب به بهشت خواهند رفت. |
| 21. | <i>əzu tāfā wēn-ām-kām.</i> | من تو را خواهم دید. |
| 22. | <i>nē parēθ-ān-kām...āpatē nē kun-ām-kām.</i> | (او را) نخواهم فروخت و به اسارت نخواهم گرفت. |

مثال‌های زیر بیانگر کاربرد ساخت آینده با استفاده از ادات *kām*- پس از شناسه‌های اخباری و التزامی در زبان خوارزمی است (see Durkin-Meisterernst, p. 355-356).

- | | | |
|-----|--|---|
| 23. | <i>kacay-āmi-kām.</i> | خواهم انداخت. |
| 24. | <i>aβ-i-kām.</i> | خواهی شد. |
| 25. | <i>ne-k-ix[-kām].</i> | [اگر] نکنید. |
| 26. | <i>mān-bā ka=mi-hi ḥalāl-a ak-βi-kām, da=wa nyōs-ām-kām.</i> | به محض اینکه او را برای من حلال کنید، خواهم پذیرفت. |

مثال زیر کاربرد فعل *kām* در زبان سغدی را در نقش و معنی اصلی خود یعنی به‌عنوان فعلی واژگانی و در معنی «خواستن» نشان می‌دهد (see Yoshida, p. 312, 321).

- | | | | | |
|-----|-----------|-----------------------|--------------------|-------------|
| 27. | <i>ke</i> | <i>kāmēnt</i> | <i>par-patxwāy</i> | <i>wōnī</i> |
| | who(REL) | desire. (OPT.IMPF.3p) | par-kill | him |
- آنها که می‌خواستند/آرزو می‌کردند او را بکشند.

۱. این ادات در مواردی مثل *zwart-āz-kā* «می‌خواست برگردد» با ماضی استمراری ساخته شده با پسوند *-āz* هم به کار می‌رفته که معنی آینده در گذشته داشته است (Yoshida, p. 300).

۵. دستوری‌شدگی تکواژ «کام» در زبان‌های ایرانی نو

از میان زبان‌های ایرانی نو که تکواژ «کام» را در نقش نشانه آینده نگه داشته‌اند می‌توان به زبان فارسی سیستانی اشاره کرد. در این زبان تکواژ «کام» با تبدیل شدن به ادات [-kma] و قرار گرفتن پیش از فعل اصلی که به صورت مصدر می‌آید، زمان آینده را شکل می‌دهد. نکته قابل توجه پیوستن شناسه‌های فعل مضارع، به فعل اصلی است که البته در سه صورت اول شخص، دوم شخص و سوم شخص جمع یکسان و هم‌شکل‌اند. تکیه نیز روی هجای اول قرار دارد. مثال‌های جدول ۲ ساخت آینده دو فعل لازم و متعدی «رسیدن» و «گفتن» را نشان می‌دهد:

جدول ۲ ساخت آینده در گویش فارسی سیستانی (Lazard, p. 80)

| | | | |
|----------------|-------------|---------------|------------|
| 'kma-rasidan-o | خواهم رسید | 'kma-goftan-o | خواهم گفت |
| 'kma-rasidan-i | خواهی رسید | 'kma-goftan-i | خواهی گفت |
| 'kma-rasidan-a | خواهد رسید | 'kma-goftan-a | خواهد گفت |
| 'kma-rasidan-e | خواهیم رسید | 'kma-goftan-e | خواهیم گفت |
| 'kma-rasidan-e | خواهید رسید | 'kma-goftan-e | خواهید گفت |
| 'kma-rasidan-e | خواهند رسید | 'kma-goftan-e | خواهند گفت |

به‌جز فارسی سیستانی، زبان یا گویش گرگانی قدیم از دیگر زبان‌های ایرانی نو است که ساخت آینده با تکواژ «کام» در آن وجود داشته‌است. در این زبان مرده و منسوخ (از گروه زبان‌ها و گویش‌های حاشیه دریای خزر)، زمان آینده با فعل کامان [*kāmān] ساخته و صرف می‌شده‌است. فعل اصلی نیز به‌صورت مصدر و گاهی به‌صورت مصدر مرخم پس از آن قرار می‌گرفته‌است (کیا، ص ۱۳۰، ۲۷۵-۲۷۶). مثال‌های زیر کاربرد این فعل را در چهار صیغه فعلی (صورت اول و دوم شخص جمع گزارش نشده‌است) نشان می‌دهد (همان‌جا):

(۱) عیسی واتی که من کامان آهین = عیسی گفت که من خواهم آمدن.

(۲) در هر عالم که وینی تو در شکل بشر مدرک مدرکات کامی بین = در هر عالم که بینی تو در شکل بشر مدرک مدرکات خواهی بودن.

(۳) بسر این مرد کامه رسان = به سِر (راز) این مرد خواهد رسیدن.

(۴) ره بخنان کامند بین = راه به ایشان خواهند بردن.

فعل «کامان» فقط برای ساخت زمان آینده به‌کار می‌رفته و برای مفهوم خواستن از فعل «خواستن»

با ماده مضارع «خواز-» [*xwāz-] و ماده ماضی «خواست-» [*xwāšt-] استفاده می‌شده است (همان، ص ۱۰۴، ۲۷۵).

ولی از بین زبان‌های ایرانی نو بیشترین کاربرد و استفاده از ماده مضارع جعلی «کام» مربوط به گویش‌های مرکزی ایران است. گویش‌های مرکزی ایران که به گروهی از زبان‌ها و گویش‌های رایج در منطقه فلات مرکزی ایران (میان شهرهای اصفهان، یزد، ناین، کاشان، قم، دلیجان و خوانسار) اطلاق می‌شود، معمولاً به چهار زیرگروه اصلی به‌علاوه دو زیرگروه فرعی یا حاشیه‌ای تقسیم می‌شوند: ۱) زیرگروه شمال شرقی شامل گویش‌های منطقه کاشان و نطنز که تعدادشان نسبت به بقیه زیرگروه‌ها بیشتر است، مانند آرانی، ابیان‌های، ابوزیدآبادی، بادرودی، طره‌ای، فریزندی، قهرودی، یارندی، هنجانی و ولوگردی؛ ۲) زیرگروه جنوب شرقی مانند اردستانی، انارکی، ناینی، گویش زردشتیان کرمان و یزد معروف به بهدینی؛ ۳) زیرگروه جنوب غربی مانند گزی، سدهی، گویش کلیمیان اصفهان، جرقویه‌ای و ورزنده‌ای؛ ۴) زیرگروه شمال غربی شامل خوانساری، وانسانی و محلاتی. گویش‌های منطقه دشت کویر (شامل خوری، فرویگی) و گویش‌های منطقه تفرش (وفسی، ویدری، آمرهای و آلویری) دو زیرگروه حاشیه‌ای هستند (لکوک، ج ۲، ص ۵۱۷-۵۱۸).

یکی از ویژگی‌های بیشتر گویش‌های زیرگروه اول یعنی زیرگروه شمال شرقی، وجود ساختی جداگانه برای زمان آینده با استفاده از ماده مضارع جعلی «کام» است که در زیرگروه‌های دیگر (و نیز تعداد کمی از گویش‌های خود همین زیرگروه واقع در جنوب کوه کرکس، مانند طرقی، طاری و کیشه‌ای) اثری از آن دیده نمی‌شود. نکته قابل توجه اینکه می‌توان گویش‌های زیرگروه مذکور را براساس دو مؤلفه، یکی وضعیت و کاربرد تکواژ «کام» در ساخت آینده به‌عنوان فعل کمکی یا ادات کمکی، و دومی شکل نشانه‌های مطابقت فاعلی (که به‌صورت پسوند ظاهر می‌شوند یا واژه‌بست)، به چهار دسته زیر تقسیم کرد که در ادامه به توصیف و بررسی آن پرداخته خواهد شد.

۵. ۱. گویش‌های دسته اول

در گویش‌های این دسته مانند وضعیتی که در زبان فارسی نو هست، در اثر فرایند دستوری‌شدگی، تکواژ یا ماده مضارع [*kām-] با پیوستن شناسه‌های مضارع (اخباری - التزامی) به آن و قرار گرفتن پیش از مصدر مرخم فعل اصلی، به ماده مضارع فعلی کمکی تبدیل شده که تصریف بر روی آن واقع می‌شود. در بررسی نگارنده این وضعیت در گویش‌های آرانی، ابوزیدآبادی، بادرودی، ده‌آبادی،

طراهی، فُهرودی، کُمجانی، وُلوگریدی، هَنجَنی، یازندی و فَریزندی مشاهده شد (نک: جدول‌های ۳ تا ۱۵). برای مقایسه‌شناسه‌ها (که با حروف سیاه مشخص شده‌اند)، صورت‌های مضارع اخباری نیز همراه با صورت‌های آینده فعل ارائه شده‌است. یادآور می‌شود داده‌های گویشی بدون ارجاع برگرفته از تحقیق میدانی نگارنده است که تا کنون منتشر نشده‌است.

۵. ۱. ۱. آرانی

در گویش آرانی ساخت آینده با فعل کمکی [kəm-] صرف می‌شود (Yarshater, vol. 4, p. 247-248؛ علیجان‌زاده، ص ۱۶۲-۱۶۴). در جدول ۳ صرف آینده فعل [šode] «رفتن» (با مصدر مرخم [šū]) آمده است. طبق یارشاطر (ibidem.) این ساخت در گویش بیدگلی وجود ندارد.

جدول ۳ صیغگان آینده و مضارع اخباری فعل «رفتن» (Yarshater, vol. 4, p. 247-248)

| | | | |
|-----------------------|------------|-----------------|---------|
| kəm-o šu | خواهم رفت | a-š-o | می‌روم |
| kəm-e šu | خواهی رفت | a-š-e | می‌روی |
| kəm-e šu | خواهد رفت | a-š-e | می‌رود |
| kəm-im šu | خواهیم رفت | a-š-im | می‌رویم |
| kəm-ey šu | خواهید رفت | a-š-ey | می‌روید |
| kəm-an šu / kəm-ay šu | خواهند رفت | a-š-an / a-š-ay | می‌روند |

مثال زیر (ibidem) نشانگر آن است که تحت تأثیر فارسی گهگاه از مضارع اخباری به‌جای آینده

استفاده می‌شود:

aqā nōhu bə-š-an lav čā dar-a-kan / dar-kəm-an ka

اگر آنها بروند لب چاه، می‌افتد/خواهند افتاد

۵. ۲. ۱. ابوزیدآبادی

در ابوزیدآبادی فعل کمکی [kem-] (با تکواژگونه‌های [kom-] و [m-]) پذیرای شناسه‌های مضارع اخباری - التزامی است ولی استثنائاً در دوم شخص جمع به‌جای شناسه [-iyä] از تکواژگونه [-ēd] استفاده می‌شود. شناسه‌های مفرد (که هر سه مختوم به واکه‌اند) در بافت‌هایی که بعد از آنها واکه قرار بگیرد، همخوان میانجی [n] در پایان‌شان ظاهر می‌شوند، مانند صیغگان فعل «آمدن» (نک: جدول ۴).

همچنین در صیغه اول شخص مفرد نیز در اثر همگونی^۱ واکه ماده فعل کمکی با واکه شناسه فعلی، فعل کمکی به صورت [kom-] ظاهر می‌گردد.

جدول ۴ صیغگان آینده «گفتن» و «آمدن» و مضارع اخباری «آمدن» (Lecoq, p. 198-202, 220)

| | | | | | |
|-----------|------------|------------|------------|---------|---------|
| kom-ō vā | خواهم گفت | kom-ōn ama | خواهم آمد | o-t-ō | می‌آیم |
| kem-ē vā | خواهی گفت | kem-ēn ama | خواهی آمد | e-t-ē | می‌آیی |
| kem-ē vā | خواهد گفت | kem-ēn ama | خواهد آمد | e-t-ē | می‌آید |
| kem-ēm vā | خواهیم گفت | kem-ēm ama | خواهیم آمد | e-t-ēm | می‌آییم |
| kem-ēd vā | خواهید گفت | kem-ēd ama | خواهید آمد | e-t-iyä | می‌آیید |
| kem-än vā | خواهند گفت | kem-än ama | خواهند آمد | e-t-än | می‌آیند |

در جمله زیر (ibid: p. 221) وجود ضمائر پی‌بستی مفعولی پس از فعل کمکی (و پیش از فعل اصلی) باعث اضافه شدن همخوان خیشومی [n] در پایان شناسه فعلی شده است:

| | | | | | |
|------------|--------------------|-----------|----|--------------------|------|
| moy=mō | kem-ē[n]=a | xa | yā | kem-ē[n]=a | köš |
| mother=our | will-3sg=you(acc.) | eat(Inf.) | or | will-3sg=you(acc.) | kill |

مادرمان خواهد خورد یا خواهد کشت

در صورت منفی ساخت آینده، ماده فعل کمکی آینده‌ساز با حذف دو آوای آغازی خود به شکل [m-] ظاهر می‌شود.

جدول ۵ ساخت منفی آینده فعل «گفتن» (حمیدی مدنی، ص ۱۰۵-۱۰۶)

| | | | |
|-----------|------------|------------|-------------|
| no-m-ō vā | نخواهم گفت | ne-m-īm vā | نخواهیم گفت |
| ne-m-ī vā | نخواهی گفت | ne-m-īd vā | نخواهید گفت |
| ne-m-ī vā | نخواهد گفت | ne-m-an vā | نخواهند گفت |

۵. ۱. ۳. بادرودی

در گویش بادرودی ماده مضارع فعل کمکی، تکواژ [kom-] است. مثال‌های جدول زیر صیغگان آینده و مضارع اخباری (استمراری) فعل [xardan] «خوردن» را نشان می‌دهد:

جدول ۶ صیغگان آینده و مضارع اخباری فعل «خوردن»

| | | | |
|---------------------|-------------|--------------------|----------|
| kom- ū(n) xa | خواهم خورد | a-xor- ū(n) | می‌خورم |
| kom- e xa | خواهی خورد | a-xor- e | می‌خوری |
| kom- a xa | خواهد خورد | a-xor- a | می‌خورد |
| kom- ī(n) xa | خواهیم خورد | a-xor- ī(n) | می‌خوریم |
| kom- i xa | خواهید خورد | a-xor- i | می‌خورید |
| kom- ē(n) xa | خواهند خورد | a-xor- ē(n) | می‌خورند |

۵. ۱. ۴. ده آبادی

در گویش ده‌آبادی (رایج در روستای ده‌آباد، به گویش محل [diyāvâ]، در ده کیلومتری شمال غرب جادهٔ بادرود به ابوزیدآباد و کاشان) ساخت آینده با فعل کمکی [kam-] شکل می‌گیرد.

جدول ۷ صیغگان آینده و مضارع اخباری فعل «آمدن» (محمدی، ص ۶۷، ۷۹)

| | | | |
|----------------------|------------|------------------|----------|
| kam- ân tema | خواهم آمد | a-yg- ân | می‌آیم |
| kam- e tema | خواهی آمد | a-yg- e | می‌آیی |
| kam- a tema | خواهد آمد | a-yg- a | می‌آید |
| kam- in tema | خواهیم آمد | a-yg- in | می‌آییم |
| kam- igo tema | خواهید آمد | a-yg- igo | می‌آیدید |
| kam- an tema | خواهند آمد | a-yg- an | می‌آیند |

اگر فعل اصلی پیشوندی باشد، پیشوند اشتقاقی قبل از فعل کمکی می‌آید، مانند چهار فعل [âr- xândan] «خواندن»، [hâ-čassan] «نشستن»، [vâ-xardan] «نوشیدن» و [dar-kattan] «افتادن».

جدول ۸ ساخت آیندهٔ افعال پیشوندی (محمدی، ص ۷۵-۸۲)

| | | | |
|---------------|-------------|--------------|-------------|
| âr-kam-a xând | خواهد خواند | hâ-kam-a čas | خواهد نشست |
| dar-kam-a kat | خواهد افتاد | vâ-kam-a xa | خواهد نوشید |

۵. ۱. ۵. طره‌ای

در گویش طره‌ای (رایج در روستای طره، در سه کیلومتری شرق ایبانه) فعل کمکی [kôm-] به‌کار می‌رود.

جدول ۹ صیغگان آینده و مضارع اخباری فعل [hötta] «خوابیدن»

| | | | |
|----------------------|---------------------|--------------------|-----------------|
| köm- ön höt | خواهم خوابید | â-hös- ön | می‌خوابم |
| köm- e höt | خواهی خوابید | â-hös- e | می‌خوابی |
| köm- e höt | خواهد خوابید (مذکر) | â-hös- e | می‌خوابد (مذکر) |
| köm- eʔa höt | خواهد خوابید (مؤنث) | â-hös- eʔa | می‌خوابد (مؤنث) |
| köm- iman höt | خواهیم خوابید | â-hös- iman | می‌خوابیم |
| köm- iya höt | خواهید خوابید | â-hös- iya | می‌خوابید |
| köm- anda höt | خواهند خوابید | â-hös- anda | می‌خوابند |

۵. ۱. ۶. قُهرودی

در قُهرودی فعل کمکی [kem-] (با نکواژگونه [kam-] در سوم شخص جمع) به‌کار می‌رود.

جدول ۱۰ صیغگان آینده و مضارع اخباری [vātā] «گفتن» (Lecoq, p. 195-198, 220)

| | | | |
|---------------------|------------|--------------------|----------|
| kem- ūn vā | خواهم گفت | a-vāj- ūn | می‌گویم |
| kem- e vā | خواهی گفت | a-vāj- e | می‌گویی |
| kem- e vā | خواهد گفت | a-vāj- e | می‌گوید |
| kem- ēme vā | خواهیم گفت | a-vāj- ēme | می‌گوییم |
| kem- ēge vā | خواهید گفت | a-vāj- ēge | می‌گوید |
| kam- ande vā | خواهند گفت | a-vāj- ande | می‌گویند |

۵. ۱. ۷. کُمجانی

در گویش کُمجانی (در شمال غرب نطنز) ماده فعل کمکی [köm-] است.

جدول ۱۱ صیغگان آینده و مضارع اخباری فعل [vāsta] «دویدن»

| | | | |
|-----------------------|-------------|--------------------|---------|
| köm- un vāšt | خواهم دوید | â-vaz- un | می‌دوم |
| köm- e vāšt | خواهی دوید | â-vaz- e | می‌دوی |
| köm- e vāšt | خواهد دوید | â-vaz- e | می‌دود |
| köm- ima vāšt | خواهیم دوید | â-vaz- ima | می‌دویم |
| köm- iya vāšt | خواهید دوید | â-vaz- iya | می‌دوید |
| köm- anda vāšt | خواهند دوید | â-vaz- anda | می‌دوند |

۵. ۱. ۸. ولوگردی

در گویش ولوگردی (در شمال غرب نطنز) [kem-] (در ساخت منفی فعل [km-]) کاربرد دارد.

جدول ۱۲ صیغگان آینده و مضارع اخباری [xarden] «خوردن»

| | | | |
|----------------------|-------------|---------------------|----------|
| kem- un xa | خواهم خورد | a-xor- un | می‌خورم |
| kem- e xa | خواهی خورد | a-xor- e | می‌خوری |
| kem- a xa | خواهد خورد | a-xor- a | می‌خورد |
| kem- im xa | خواهیم خورد | a-xor- im | می‌خوریم |
| kem- i xa | خواهید خورد | a-xor- i | می‌خورید |
| kem- en(d) xa | خواهند خورد | a-xor- en(d) | می‌خورند |

۵. ۱. ۹. هنجخی

در گویش هنجخی (به گویش محلی [henʃen]، در شمال غرب نطنز) نیز فعل کمکی [kem-] به کار می‌رود.

جدول ۱۳ صیغگان آینده و مضارع اخباری [diyen] «دیدن»

| | | | |
|-------------------|------------|-----------------|----------|
| kem- un di | خواهم دید | a-yn- un | می‌بینم |
| kem- e di | خواهی دید | a-yn- e | می‌بینی |
| kem- a di | خواهد دید | a-yn- a | می‌بیند |
| kem- im di | خواهیم دید | a-yn- im | می‌بینیم |
| kem- i di | خواهید دید | a-yn- i | می‌بینید |
| kem- en di | خواهند دید | a-yn- en | می‌بینند |

۵. ۱. ۱۰. یارندی

در گویش یارندی (در شمال غرب شهر نطنز) فعل کمکی [kem-] (با تکواژگونه [kom-]) در اول شخص مفرد کاربرد دارد. کریستنسن (Christensen, p. 19, 140) به‌سهو این گویش را فاقد ساخت آینده دانسته‌است.

جدول ۱۴ صیغگان آینده و مضارع اخباری [meyan] «آمدن»

| | | | |
|---------------------|------------|------------------|---------|
| kom- un ma | خواهم آمد | a-y- un | می‌آیم |
| kem- e ma | خواهی آمد | a-y- e | می‌آیی |
| kem- e ma | خواهد آمد | a-y- e | می‌آید |
| kem- ima ma | خواهیم آمد | a-y- ima | می‌آییم |
| kem- iya ma | خواهید آمد | a-y- iya | می‌آیید |
| kem- anda ma | خواهند آمد | a-y- anda | می‌آیند |

۵. ۱. ۱۱. فریزندی

در فریزندی (به گویش محل [fer(e)zend]) ماده فعل کمکی [kam-] (با تکرارگونه [kem-]) در ساخت آینده کاربرد دارد. کریستسن (Christensen, p. 19, 140) این ستاک را به صورت kām- ثبت کرده و متوجه وجود صیغه سوم شخص مفرد مؤنث نیز نشده است.

جدول ۱۵ صیغگان آینده و مضارع اخباری [šöʔan] «رفتن»

| | | | |
|---------------------|------------------|------------------|---------------|
| kam- un šö | خواهم رفت | â-š- un | می‌روم |
| kam- e šö | خواهی رفت | â-š- e | می‌روی |
| kam- e šö | خواهد رفت (مذکر) | â-š- e | می‌رود (مذکر) |
| kam- ey šö | خواهد رفت (مؤنث) | â-š- eya | می‌رود (مؤنث) |
| kem- im šö | خواهیم رفت | â-š- ima | می‌رویم |
| kem- iy šö | خواهید رفت | â-š- iya | می‌روید |
| kam- anda šö | خواهند رفت | â-š- anda | می‌روند |

همان‌گونه که از مثال‌های جدول بالا مشخص است شناسه‌های صیغه‌های اول و دوم شخص جمع به‌علاوه سوم شخص مفرد مؤنث آینده، صورت کوتاه‌شده شناسه‌های مضارع‌اند که واکه پایانی خود را از دست داده‌اند.

۵. ۲. گویش‌های دسته دوم

در این دسته که ظاهراً فقط گویش نطنزی را شامل می‌گردد نکته قابل توجه آن است که برای تصریف فعل کمکی [kem-]، شناسه‌های فعلی مضارع کاربرد ندارند بلکه مانند تصریف زمان‌های

ماضی افعال متعدی (معروف به کُنایی^۱)، تماماً از ضمایر پی‌بستی فاعلی استفاده می‌شود (هم برای افعال متعدی و هم برای افعال لازم). مثال‌های جدول ۱۶ برگرفته از کتاب فرهنگ جامع زبان و گویش نطنز تألیف عباس دهقانیان (با تبدیل آن به خط آوانگار) که ساخت آینده با این ضمایر نشان داده شده است.

جدول ۱۶ صیغگان آینده [mardan] «مردن» و [sâtan] «ساختن» (دهقانیان، ص ۹۴۶، ۷۱۵)

| فعل لازم «مردن» | فعل متعدی «ساختن» |
|---|--|
| (na-)kem= am mard (ن-)(خواهم مُرد | (na-)kem= am sât (ن-)(خواهم ساخت |
| (na-)kem= ad mard (ن-)(خواهی مُرد | (na-)kem= ad sât (ن-)(خواهی ساخت |
| (na-)kem= aš mard (ن-)(خواهد مُرد | (na-)kem= aš sât (ن-)(خواهد ساخت |
| (na-)kem= amun mard (ن-)(خواهیم مُرد | (na-)kem= amun sât (ن-)(خواهیم ساخت |
| (na-)kem= adun mard (ن-)(خواهید مُرد | (na-)kem= adun sât (ن-)(خواهید ساخت |
| (na-)kem= ašun mard (ن-)(خواهند مُرد | (na-)kem= ašun sât (ن-)(خواهند ساخت |

اگرچه این ویژگی ظاهراً در دیگر گویش‌های منطقه به‌عنوان ساخت اصلی وجود ندارد ولی نکته مهم اینکه این ساخت استثنائاً فقط در تصریف سه فعل متعدی [qɔ-] «خواستن»، [vessɔyan] «دوست داشتن» و [bâzzɔyan] «بد آمدن» در دو گویش ایبانه‌ای و طره‌ای نیز مشاهده می‌شود.

جدول ۱۷ صیغگان آینده فعل «خواستن» در ایبانه‌ای و طره‌ای (اسماعیلی، ص ۱۱۳)

| ایبانه‌ای | طره‌ای | فارسی |
|-------------------|--------------------|--------------|
| köm= öm ɔ | köm= em ɔ | خواهم خواست |
| köm= öd ɔ | köm= ed ɔ | خواهی خواست |
| köm= öy ɔ | köm= ey ɔ | خواهد خواست |
| köm= ömi ɔ | köm= emun ɔ | خواهیم خواست |
| köm= öyi ɔ | köm= edun ɔ | خواهید خواست |
| köm= öš ɔ | köm= ešun ɔ | خواهند خواست |

1. ergative

جدول ۱۸ صیغگان آینده فعل «دوست داشتن» در ابیانه‌ای و طره‌ای (همان‌جا)

| فارسی | طره‌ای | ابیانه‌ای |
|------------------|------------------------|-----------------------|
| دوست خواهم داشت | köm= em vesso | köm= öm vesso |
| دوست خواهی داشت | köm= ed vesso | köm= öd vesso |
| دوست خواهد داشت | köm= ey vesso | köm= öy vesso |
| دوست خواهیم داشت | köm= emun vesso | köm= ömi vesso |
| دوست خواهید داشت | köm= edun vesso | köm= öyi vesso |
| دوست خواهند داشت | köm= ešun vesso | köm= öš vesso |

جدول ۱۹ صیغگان آینده فعل «بد آمدن» در ابیانه‌ای و طره‌ای

| فارسی | طره‌ای | ابیانه‌ای |
|-----------------|------------------------|-----------------------|
| بدم خواهد آمد | köm= em bâzzo | köm= öm bâzzo |
| بدت خواهد آمد | köm= ed bâzzo | köm= öd bâzzo |
| بدش خواهد آمد | köm= ey bâzzo | köm= öy bâzzo |
| بدمان خواهد آمد | köm= emun bâzzo | köm= ömi bâzzo |
| بدتان خواهد آمد | köm= edun bâzzo | köm= öyi bâzzo |
| بدشان خواهد آمد | köm= ešun bâzzo | köm= öš bâzzo |

۳.۵. گویش‌های دسته سوم

در گویش‌های این دسته مانند گویش‌های دو دسته اول و دوم، تکواژ «کام» دستوری شده و به فعلی کمکی تغییر پیدا کرده است ولی با این اختلاف که نشانه‌های شخص - شمار فاعلی پیوسته به آن، نه تماماً شناسه‌های مضارع (اخباری - التزامی) هستند و نه تماماً ضمائر واژه‌بستی، بلکه تلفیقی از شناسه‌های مضارع و ضمائر واژه‌بستی اند که نقش مطابقت فاعلی را ایفا می‌کنند. در برخی موارد و در بعضی صیغه‌ها (که نمونه‌های آن در ادامه خواهد آمد)، حتی این شناسه‌ها کاملاً خاص بوده و در ساخت دیگری کاربرد ندارند. دو گویش ابیانه‌ای و بیدهندی از این جمله‌اند.

۳.۵.۱. ابیانه‌ای

ماده فعل کمکی آینده‌ساز ابیانه‌ای [köm-] است که پیش از مصدر مرخم (یا همان ماده ماضی فعل

اصلی) قرار می‌گیرد. در جدول ۲۰ برای مقایسه، صیغگان سه ساخت آینده، مضارع اخباری (استمراری) و ماضی ساده فعل [diyan] «دیدن» آمده‌است.

جدول ۲۰ صیغگان آینده، مضارع اخباری و ماضی ساده [di-yan] «دیدن»

| | | | | | |
|-------------|------------|------------|----------|----------|--------|
| köm-öm di | خواهم دید | e-vin-om | می‌بینم | ba=m-di | دیدم |
| köm-ö di | خواهی دید | e-vin-e | می‌بینی | ba=d-di | دیدیدی |
| köm-ö di | خواهد دید | e-vin-e | می‌بیند | ba=y-di | دید |
| köm-ömi di | خواهیم دید | e-vin-iman | می‌بینیم | ba=mi-di | دیدیم |
| köm-öyi di | خواهید دید | e-vin-iya | می‌بینید | ba=yi-di | دیدید |
| köm-anda di | خواهند دید | e-vin-anda | می‌بینند | ba=š-di | دیدند |

همان‌گونه که از جدول بالا پیداست تنها شناسه سوم شخص جمع آینده همانند شناسه مضارع اخباری است ولی شناسه اول شخص مفرد و اول شخص و دوم شخص جمع آینده مانند ساخت ماضی افعال متعدی (تقریباً) همان ضمائر پی‌بستی‌اند. شناسه دوم شخص و سوم شخص مفرد نیز به هیچ‌یک از شناسه‌های دو ساخت مضارع و ماضی شباهت ندارد و به عبارت دیگر کاملاً خاص هستند، مگر آنکه آنها را صورت گردشده شناسه‌های مضارع (دراثر همگونی پیشرو با واکنه ماده فعل) در نظر بگیریم. لازم به ذکر است که شناسه‌های سه صیغه اول شخص مفرد، اول شخص و دوم شخص جمع آینده که تقریباً همان ضمائر پی‌بستی‌اند برخلاف ساخت‌های ماضی متعدی که ضمائر واژه‌بستی فاعلی از فعل جدا شده و به عناصر پیش از فعل متصل می‌شوند، در این ساخت از فعل جدا نمی‌شوند و به مفعول نمی‌پیوندند. دو مثال زیر این موضوع را بهتر نشان می‌دهد:

او (مذکر) را نگشتم. nun=om na-köšt.
 او(مذکر) را نخواهم گُشت. nun na-köm-öm köšt (*nun=om na-köm köšt).

۵.۳.۲. بیدهندی

در گویش بیدهندی (به گویش محلی [vehend] در شمال غرب نطنز) فعل کمکی [-kem] کاربرد دارد و وضعیت شناسه‌های آن مانند چیزی است که دربارهٔ ابیانه‌ای گفته شد.

جدول ۲۱ صیغگان آینده، مضارع اخباری و ماضی ساده [bevini] «دیدن»

| | | | | | |
|---------------------|------------|--------------------|----------|--------------------|--------|
| kem- em di | خواهم دید | a-vin- an | می‌بینم | be- m -di | دیدم |
| kem- i di | خواهی دید | a-vin- e | می‌بینی | be- d -di | دیدیدی |
| kem- i di | خواهد دید | a-vin- e | می‌بیند | be- š -di | دید |
| kem- emin di | خواهیم دید | a-vin- ime | می‌بینیم | be- min -di | دیدیم |
| kem- edin di | خواهید دید | a-vin- ide | می‌بینید | be- din -di | دیدید |
| kem- ende di | خواهند دید | a-vin- ende | می‌بینند | be- šin -di | دیدند |

۵.۴. گویش‌های دسته چهارم

در گویش‌های این دسته تکواژ «کام» اصلاً صرف نمی‌شود و میزبان نشانه‌های شخص-شمار فاعل نیست بلکه تصریف بر روی فعل اصلی ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر در این گویش‌ها در اثر فرایند دستوری‌شدگی، تکواژ مذکور به‌طور کامل به ادات آینده‌ساز [komi] تبدیل شده‌است. این وضعیت در دو گویش میمه‌ای و جوشقانی مشاهده می‌شود. نکته قابل توجه دیگر آن که نشانگرهای شخص-شمار افزوده‌شده به فعل اصلی (چه متعددی باشد چه لازم)، همیشه شناسه‌های ماضی افعال لازم هستند و نه شناسه‌های مضارع یا ضمائر پی‌بستی فاعلی (نک: جدول ۲۲ و ۲۳). البته در جدیدترین تحقیق درباره گویش جوشقانی، طاهری (ص ۳۲) ساخت مذکور را فقط در تصریف افعال لازم قبول دارد و معتقد است در تصریف افعال متعددی از پیوستن ضمائر واژه‌بستی به فعل کمکی [kom-] (و نه ادات [komi]) استفاده می‌شود و این افعال ساخت کُنایی دارند (نک: جدول ۲۴).

جدول ۲۲ ساخت آینده فعل متعددی [diyan] «دیدن» در میمه‌ای (فتوحی بروجنی، ص ۱۱۵)

| | | | |
|------------------------|-----------|--------------------------|------------|
| komi di-[y]- on | خواهم دید | komi di- ma | خواهیم دید |
| komi di-[y]- i | خواهی دید | komi di- da | خواهید دید |
| komi di | خواهد دید | komi di-[y]- enda | خواهند دید |

جدول ۲۳ ساخت آینده فعل متعددی [sâtan] «ساختن» در جوشقانی (زرگری، ص ۵۸)

| | | | |
|---------------------|------------|-----------------------|-------------|
| komi sât- am | خواهم ساخت | komi sât- ima | خواهیم ساخت |
| komi sât- e | خواهی ساخت | komi sât- iya | خواهید ساخت |
| komi sât | خواهد ساخت | komi sât- inda | خواهند ساخت |

جدول ۲۴ ساخت متفاوت آینده در افعال لازم و متعدی در جوشقانی (طاهری، ص ۳۲)

| فعل لازم | | فعل متعدی | |
|----------------------|------------|----------------------|------------|
| komi šo- am | خواهم رفت | kom = em kašt | خواهم کاشت |
| komi šo- inda | خواهند رفت | kom = ešun pâ | خواهند پخت |

شایان ذکر است که در گویش وزوانی (رایج در وزوان، به گویش محلی [vaʃgʊn])، در مجاورت میمه (تکواژ «کام») در اثر دستوری‌شدگی به قید وجهی kom(i) «شاید» تبدیل شده‌است.

unâ kiya = d kom bo-yenda. آنها شاید در خانه باشند.
they home = at may be(PST)-3PL
komi dâr-b-u. شاید داشته باشد.
may have(PRS)-be(PRS.SBJV)-3SG

۵.۵. گویش خوری

در گویش خوری (از زیرگروه حاشیه‌ای دشت کویر گویش‌های مرکزی) ساخت مستقلی برای زمان آینده وجود ندارد و از مضارع اخباری برای این مفهوم استفاده می‌شود (عباسی، ص ۴۲). ولی آن‌گونه که از سه بیت به‌جامانده به گویش خوری از یغمای جندقی (۱۱۹۶-۱۲۷۶ هجری قمری) برمی‌آید، ظاهراً در گذشته ساخت خاصی برای آینده وجود داشته که امروزه دیگر هیچ اثری از آن به‌جا نمانده‌است. در این سه بیت (در مصرع دوم ابیات ۱ و ۳) که در ادامه خواهد آمد، دو مثال از کاربرد ساخت آینده ترکیبی با فعل کمکی «کام» [kɛm-] پیش از مصدر مرخم فعل اصلی «بستن» و «هستن» دیده می‌شود (طباطبایی، ص ۲۰). ضبط، ترجمه و آوانگاری این سه بیت (با تغییراتی مختصر) برگرفته از طباطبایی (ص ۲۱) است:

۱- رَسَدِ مَآ هِدْهَوَا خَرِ شَيْطُونِ أَنْگُو به خدا گرنه کما م بست د جوفون ته گو
۲- آرددیرام قن گردون به خصومت ته گهی آرژن و گا چگ فه را حم گرای
۳- گر آمونا م بدهی چرخ کبود اچر شهر د برای نکما م هست نه اسی ته سیو

آوانویسی و برگردان این سه بیت:

- 1- rɛsɛd=e mɔ hɛdɛ=ho a xɛr=e šeytun ɛtɛgɔw
be xodâ garne kemɔ bast de ʃufun=e tɛ gɔw

سهم من را بده و از خر شیطان پایین بیا به خدا، گرنه، خواهم بست در خرمن تو گاو

2- ardedērō qen=e gardun be xosumot te kehi?

ar žen=o gōčōg=e fa rōhm ker ey xunoxerow

پاره می‌کنم کون گردون، به دشمنی تو کیستی؟ بر زن و بچه خودت رحم کن ای خانه‌خراب

3- gar emunō bedehi čarx=e kebud a čor=e sohr

de serâ=ya nekemō hešt ne esbi ne siyow

گر امانم بدهد چرخ کبود به ... سرخ در خانه‌ات نخواهم گذاشت نه سفید نه سیاه

چون هر دو مثال ساخت آینده به صیغه اول شخص مفرد است و همچنین شناسه اول شخص مفرد (که در ساخت افعال متعددی مضارع و افعال لازم به‌کار می‌رود) و ضمیر پی‌بستی فاعلی اول شخص مفرد (که در تصریف افعال متعددی ماضی کاربرد دارد) هر دو تکواژ [-(m)ō-] بوده و شباهت آوایی دارند، با صراحت نمی‌توان درباره تعلق ساخت آینده (منسوخ‌شده) خوری به سه دسته اول تا سوم تقسیم‌بندی این مقاله اظهار نظر کرد.

۶. نتیجه‌گیری

همان‌گونه‌که اشاره شد افعال کمکی از دید بینا‌زبانی ترجیحاً رایج‌ترین منبع برای تصریف مقوله زمان دستوری هستند که پیدایش این افعال معمولاً به‌واسطه فرایند دستوری‌شدگی، مشخصاً معین‌شدگی صورت می‌گیرد. بررسی‌های تاریخی و رده‌شناختی درباره منابع رایج معین‌شدگی بیانگر آن است که فعل «خواستن» (یا هم‌معناهای آن مانند افعال «دوست داشتن»، «میل داشتن») و «خوش آمدن» در عین حالی که معنای اصلی خود به‌عنوان یک فعل واژگانی را حفظ کرده، گستره‌ای از تحقق‌ها و نقش‌ها را در زبان‌های دنیا داشته و برای نشان دادن مفاهیم و مقولاتی از جمله زمان آینده دستوری شده‌است.

بررسی حاضر بیانگر آن است که تکواژ «کام» که در زبان‌های ایرانی باستان به مقوله واژگانی اسم تعلق داشته در تحول و گذر به برخی از زبان‌های ایرانی میانه و نو، به‌ویژه زبان‌ها و گویش‌های مرکزی، در اثر دستوری‌شدگی به فعل کمکی یا ادات نشانه زمان آینده دگرگون شده‌است. نکته دیگری که در این تحول باید در نظر داشت جایگاه قرارگیری این نشانه آینده‌ساز نسبت به فعل اصلی است، به‌طوری‌که می‌توان بر اساس دو ملاک فوق، یعنی تصریف‌پذیری یا تصریف‌ناپذیری تکواژ «کام» و نیز جایگاه

واقع شدن آن پس از فعل اصلی یا پیش از آن، چهار امکان یا وضعیت را برای زبان‌ها و گویش‌های مورد بررسی در نظر گرفت. در مورد نخست، نشانه آینده‌ساز، اداتی فعلی است و همواره پس از فعل اصلی قرار می‌گیرد که این وضعیت براساس شواهد و داده‌های تاریخی در دو زبان میانه شرقی سغدی و خوارزمی وجود داشته‌است. در امکان و وضعیت دوم، تکواژ آینده‌ساز، اداتی فعلی است که پیش از فعل اصلی قرار دارد. این وضعیت در گویش فارسی سیستانی و همچنین دو گویش میمه‌ای و جوشقانی از مجموعه گویش‌های مرکزی ایران (تقریباً در غربی‌ترین محدوده رواج گویش‌های مرکزی) مشاهده می‌شود. در مورد سوم، تکواژ «کام» با پذیرفتن نشانه‌های مطابقت فعل با فاعل (پسوند مطابقت یا ضمیر واژه‌بستی فاعلی) و تبدیل شدن به فعل کمکی قبل از فعل اصلی می‌آید. این وضعیتی است که در بیشتر زبان‌ها و گویش‌های مرکزی مورد بررسی و همچنین گویش گرگانی قدیم دیده می‌شود و گرایش به آن بیشتر است. امکان چهارم یعنی دستوری‌شدگی «کام» به فعل کمکی و قرار گرفتن پس از فعل اصلی در هیچ‌یک از زبان‌ها دیده نمی‌شود.

موضوع دیگری که درباره این زبان‌ها و گویش‌های مورد مطالعه قابل ذکر است وضعیت تنوع نشانه‌های صرفی‌ای است که برای نمایش فاعل و ارجاع‌دهی به فاعل دستوری فعل به‌کار رفته‌اند. بر این اساس نیز چهار گونه نشانه مشاهده می‌شود: ۱. پسوندهای مطابقت فاعلی یا همان شناسه‌های فعلی مضارع اخباری-التزامی (در گویش فارسی سیستانی، غالب گویش‌های مرکزی از جمله آرائی، ابوزیدآبادی، بادرودی و طره‌ای، و احتمالاً گویش گرگانی قدیم)؛ ۲. شناسه‌های فعلی ماضی ساده (در گویش‌های میمه‌ای و جوشقانی)؛ ۳. ضمائر پی‌بستی فاعلی (فقط در گویش نطنزی و نیز سه فعل خاص دو گویش ایبانه‌ای و طره‌ای)؛ ۴. تلفیقی از شناسه‌های فعلی و ضمائر پی‌بستی فاعلی (در ایبانه‌ای و بیدهندی).

نکته پایانی آنکه در هیچ‌یک از زبان‌ها و گویش‌های نوی مورد بررسی در این تحقیق، ماده فعل «کام» در مفهوم واژگانی و اصلی خود باقی نمانده و برای بیان مفهوم خواستن از افعال دیگری استفاده می‌شود.

منابع

آرلاتو، آنتونی، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۴.

اسماعیلی، محمد مهدی، «زمان آینده در گویش‌های ابیانه‌ای و طره‌ای»، ویژه‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، دوره جدید شماره ۷، خرداد ۱۳۹۶، ص ۹۹-۱۱۸.

حمیدی مدنی، علیرضا، «توصیف دستوری گویش ابوزیدآبادی»، به راهنمایی محمد مطلبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، تیر ۱۳۹۵.
داوری، شادی و مهرداد نغزگوی کهن، «از اراده تا آینده: دستوری‌شدگی «زمان آینده» در فارسی»، مجله زبان‌شناخت، سال ۷، شماره ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۷-۵۹.

دهقانیان، عباس، فرهنگ جامع زبان و گویش نطنز، پُرشکوه، چاپ اول، تهران ۱۳۸۶.
زرگری، رحمت‌الله، تاریخ، فرهنگ، هنر جوشقان قالی، انتشارات معینان، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴.
سیمزویلیامز، نیکلاس، «سغدی»، راهنمای زبان‌های ایرانی، (ج ۱)، ویراستار رودیگر اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضائی باغبیدی، ققنوس، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۶، ص ۲۷۲-۳۰۲.
طاهری، اسفندیار، «درباره ساخت و کارکرد ساخت‌های آینده‌ساز در جوشقانی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی (دانشگاه اصفهان)، سال ۱۳، ش ۲۴، خرداد ۱۴۰۰، ص ۲۱-۴۰.

طباطبایی، لسان‌الحق، نخل امید (گزیده بومی سروده‌های شعرای خوری)، بهین، چاپ اول، تهران ۱۳۸۷.
عباسی، مهدی، «توصیف دستگاه فعل در گویش خوری»، مجله زبان‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۲۰، ۱۳۷۲، ص ۲-۵۷.

علیجان‌زاده، حسین، زبان کویر (تحقیق درباره زبان آران و بیدگل)، شفق، چاپ اول، بی‌جا ۱۳۷۲.
فتحی بروجنی، شهلا، گویش میمه‌ای، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران ۱۳۹۲.
کیا، صادق، واژه‌نامه گرگانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران ۱۳۳۰.
لُکوک، پیر، «گویش‌های مرکزی ایران»، راهنمای زبان‌های ایرانی (ج ۲)، ویراستار رودیگر اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضائی باغبیدی، ققنوس، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۶، صص ۵۱۷-۵۳۹.
محمدی، محمدرضا، «بررسی گویش ده‌آبادی»، به راهنمایی سیدمحمد راستگو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان، شهریور ۱۳۸۴.

Beekes, R. S. B., *Comparative Indo-European Linguistics: An Introduction*, John Benjamins Publishing Company, Amsterdam/Philadelphia, 2011.

Benveniste, E., "Mutation of Linguistic Categories", *Directions for Historical Linguistics*, University of Texas Press, Austin 1968, p. 83-94.

Boretzky, N. and B. Iqba, "Balkanische (südosteuropäische) Einflüsse im Romani", *Handbuch der Südosteuropa-Linguistik* (Slavistische Studienbücher, Neue Folge), Hinrichs and Büttner (eds.), Otto Harrassowitz, Wiesbaden 1999, p. 709-731.

- Campbell, L., *Historical Linguistics: An Introduction*, Edinburgh University Press, Edinburgh 2004.
- Christensen, A., *Contribution à la dialectologie Iranienne*, I, Bianco Lunos Bogtrykkeri, Copenhagen 1930.
- Dahl, Ö., "The Grammar of Future Time Reference in European Languages", *Tense and Aspect in the Languages of Europe*, Östen Dahl (ed.), Mouton de Gruyter, Berlin/New York 2000, p. 309-328.
- Dahl, Ö. and V. Velupillai, "The Future Tense", *The World Atlas of Language Structures*, Oxford University Press, Oxford 2005, P. 270.
- Durkin-Meisterernst, D., "Khwarezmian", *The Iranian Languages*, Routledge, London and New York 2009, p. 336-376.
- Friedman, V. A., "Balkans as a Linguistic Area", *Encyclopedia of Language & Linguistics*, Second Edition, vol. 1, Keith Brown (ed.), Elsevier, Oxford 2006, p. 657-672.
- Harðarson, J. A., "The Morphology of Germanic", *Handbook of Comparative and Historical Indo-European Linguistics*, Band 41.2, Jared Klein, Brian Joseph, Matthias Fritz (eds.), De Gruyter Mouton, Berlin/Boston, 2017, p. 913-953.
- Heine, B. and T. Kuteva, *Language Contact and Grammatical Change*, Cambridge University Press, Cambridge 2005.
- Hock, H. H., *Principles of Historical Linguistics*, Mouton de Gruyter, Berlin, New York 1991.
- Korn, A., "The Evolution of Iranian", *Handbook of Comparative and Historical Indo-European Linguistics*, Band 41.1, Jared Klein, Brian Joseph, Matthias Fritz (eds.), De Gruyter Mouton, Berlin/Boston 2017, p. 608-624.
- Lazard, G., "Morphologie du verbe dans le parler persan du Sistan", *Studia Iranica* 3, 1974, p. 65-85.
- Lecoq, P., *Recherches sur les dialectes Kermaniens* (Iran Central), *Acta Iranica* 39, Peeters, Leuven 2002.
- Lundquist, J. and A. D., Yates, "The Morphology of Proto-Indo-European", *Handbook of Comparative and Historical Indo-European Linguistics*, Band 41.3, Jared Klein, Brian Joseph, Matthias Fritz (eds.), De Gruyter Mouton, Berlin/Boston 2017, p. 2079-2195.
- Mallory, J. P. and D. Q. Adams, *The Oxford Introduction to Proto-Indo-European and the Proto-Indo-European World*, Oxford University Press, Oxford 2006.
- Malmkjær, K., *The Linguistics Encyclopedia*, Routledge, London and New York 2002.
- Sayeed, O. and B. Vaux, "The Evolution of Armenian", *Handbook of Comparative and Historical Indo-European Linguistics*, Band 41.2, Jared Klein, Brian Joseph, Matthias Fritz (eds.), De Gruyter Mouton, Berlin/Boston 2017, p. 1146-1167.
- Skjærvø, P. O., *An Introduction to Manichean Sogdian*, Routledge, London and New York 2003.

- Szemerényi, O. J. L., *Introduction to Indo-European Linguistics*, Oxford University Press, Oxford 1996.
- Trask, R. L., *Historical Linguistics*, Arnold, London 1996.
- Velupillai, V., *An Introduction to Linguistic Typology*, John Benjamins Publishing Company, Amsterdam/Philadelphia 2012.
- Yarshater, E., "Bidgol", *Encyclopædia Iranica*, vol. IV, Routledge Keganpaul, New York 1989, p. 247-249.
- Yoshida, Y., "Sogdian", *The Iranian Languages*, Routledge, London and New York 2009, p. 279-335.

